



درس پانزدهم

کاجستان



جمع خط تلفن

در کنار خطوط سیم پیام

رشد کردند

خارج از ده، دو کاج رویدند

جمع ساله
سالیان دراز، رهگذران عابران جمع رهگذر

آن دو را چون دو دوست می دیدند

روزی از روزهای پاییزی

زیر رگبار و تازیانه‌ی باد
شلاق

یکی از کاج‌ها به خود لرزید

خم شد و روی دیگری افتاد

یکی از کاج‌ها به خود لرزید
خم شد و روی دیگری افتاد
گفت: «ای آشنا، بخش مرا
خوب در حال من، تا مثل کن
ریشه‌هایم ز خاک بیرون است
چند روزی، مرا تحمّل کن.»
کاج همسایه، گفت با نرمی:
«دوستی را نمی‌برم از یاد،

شاید این اتفاق هم روزی
بیلباره
ناگهان از برای من افتاد.»
مهربانی به گوش باد رسید
باد، آرام شد، ملایم شد
کاج آسیب دیده‌ی ما هم
کنا به از محکم شدن
کم گنگ، پا گرفت و سالم شد.
پایین می افتاد
میوه‌ی کاج‌ها، فرو می ریخت
دانه‌ها ریشه می زدند آسان
ابر، باران رساند و چندی بعد
ده ما، نام یافت «کاجستان» ...



درست و نادرست

۱ باد وقتی دید که ریشه‌های کاج از خاک بیرون هستند، آرام شد. \times وقتی مهربانی دو کاج را دید، آرام شد.

۲ دو کاج، سال‌های سال با هم دوست بودند. \checkmark

۳ در یک روز پاییزی، باد شدیدی وزید. \checkmark

درک مطلب



۱ علت آرام شدن باد، چه بود؟ مهربانی دو کاج را دید.

۲ ده، چگونه به کاجستان تبدیل شد؟ دانه‌های درخت کاج پراکنده شدند، ریشه زدند، باران آمد و دانه‌ها رشد کردند.

۳ کاج همسایه در پاسخ به درخواست کمک دوستش چه گفت؟ با نری گفت، دوستی را زیاد نمی‌بریم. محکم است.

۴ کدام بیت یا بیت‌های درس را بیشتر می‌پسندید؟ دلیل خود را بیان کنید.

۵

معانی مختلف «چون»

«چون» در جمله‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد:

۱ به دلیل اینکه، زیرا

مثال < من نرفتم، چون تو هم نرفتی. ← من نرفتم به دلیل اینکه تو هم نرفتی.

۲ مثل و مانند

مثال < تو در میان گل‌ها، چون گل میان خاری ← تو مثل گل در بین خارها هستی.


۳ وقتی که، زمانی که

مثال < دیگران چون بروند از نظر، از دل بروند. ← وقتی دیگران از نظر بروند، از دل می‌روند.

۴ چگونه، چرا


مثال < بپرس حال من آخر، چو بگذری روزی / که چون همی‌گذرد، روزگار مسکینم ← که روزگار من چگونه می‌گذرد؟



چو / چون: یعنی مانند، مثل، همانند، همچون. 

■ شما را چون برادر خود می‌دانم. (مثل، مانند)

■ آن دو را چون دو دوست می‌دیدند. (مانند، مثل)

چو / چون: یعنی به دلیل، به سبب، زیرا، وقتی که. 

■ چون باران می‌آمد، خیس شده بود. (به دلیل اینکه / چون که)

■ به مدرسه می‌روم، چون یادگیری را دوست دارم. (به دلیل اینکه، زیرا که)

■ دیگران چون بروند از نظر، از دل بروند. (وقتی که)